

مبانی نظری سرمایه در گردش

مهدی خواجوی^۱، کریم نخعی^۲ (نویسنده مسئول)، حبیب اله نخعی^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، m65khajavi@gmail.com

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / عضو هیئت علمی گروه حسابداری ، nakhaei1360@yahoo.com

^۳ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / استادیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری ، h.nakhaei48@yahoo.com

چکیده

مدیریت سرمایه در گردش عبارت است از تعیین حجم و ترکیب منابع و مصارف سرمایه در گردش به نحوی که ثروت سهامداران افزایش یابد. مدیریت سرمایه در گردش از مهم ترین بخش های مدیریت در سازمان است که مدیریت داراییهای جاری را در فعالیت های روزانه عهده دار است. در اصول این بخش از مدیریت، بر وجوه نقد، اوراق بهادار، حساب های دریافتی و موجودی کالا تاکید دارد. ایجاد تعادل در این حساب ها بسیار حساس است، به طوری که با هرگونه تغییر در عوامل محیطی سازمان، هر یک از این حساب ها سریعاً تحت تأثیر قرار می گیرند. مدیریت سرمایه در گردش باید از طریق برنامه ریزی میان مدت امکان ایجاد تعادل، در مقابل تغییر های عوامل محیطی را پیش بینی کند. امور مالی شرکت می تواند به سه بخش اصلی بودجه بندی سرمایه، ساختار سرمایه و مدیریت سرمایه در گردش طبقه بندی شود. مدیریت سرمایه های بلند مدت به بودجه بندی سرمایه و ساختار سرمایه مربوط می شود در حالی که مدیریت دارایی ها و بدهی های جاری در حوزه مدیریت سرمایه در گردش می باشد. سرمایه در گردش یک شرکت مجموعه مبالغی است که در دارایی های جاری سرمایه گذاری می شود. طبق نظر اسکیلینگ^۱ (۱۹۹۶) نیز عموماً واژه سرمایه در گردش به سرمایه گذاری سازمان در دارایی های جاری، بدهی های جاری، وجوه نقد، اوراق بهادار کوتاه مدت، حسابهای دریافتی و موجودی کالا مربوط می شود و مدیریت سرمایه در گردش نیز عبارت است از تعیین حجم و ترکیب منابع و مصارف سرمایه در گردش به نحوی که ثروت سهامداران افزایش یابد [۲۶].

سرمایه در گردش عبارت است از مجموعه مبالغی که در دارایی های جاری یک شرکت سرمایه گذاری می شود. طبق نظر اسکیلینگ (۱۹۹۶) نیز عموماً واژه سرمایه در گردش به سرمایه گذاری سازمان در دارایی های جاری و بدهی های جاری مربوط می شود. خالص سرمایه در گردش تفاوت دارایی های جاری با بدهی های جاری می باشد. سرمایه در گردش خالص، مصرف آن بخش از دارایی های جاری است که بر بدهی های جاری فزونی دارد و از طریق استقراض بلندمدت و حقوق صاحبان سهام سرمایه پشتیبانی مالی شده است [۶].

عمل مدیریت سرمایه در گردش به یکی از مسائل های سررسید شده و استفاده از فرصت های ناگهانی مناسب جهت سرمایه گذاری که نشانه ای از انعطاف پذیری واحد تجاری می باشد و دسترسی به مواد اولیه برای تولید به طوری که شرکت بتواند به موقع جوابگوی تقاضای مشتریان مهم در سازمان ها در سازمان ها تبدیل شده است، جایی که بسیاری از مدیران اجرایی در گیر شناسایی عوامل اصلی مدیریت سرمایه در گردش و سطح بهینه آن هستند. هر گونه تصمیمی که در این بخش توسط مدیران واحد تجاری اتخاذ می شود اثرات قابل ملاحظه ای روی بازدهی عملیاتی واحد تجاری می گذارد که باعث تغییر ارزش شرکت و نهایتاً ثروت سهامداران خواهد شد. با توجه به جایگاه و اهمیت سرمایه در فرایندهای سازمانی، مدیریت آن از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. در این میان سرمایه در گردش به طور کلی در همه سازمان ها و به خصوص در سازمان های با اندازه های کوچکتر، بخش عظیمی از سرمایه سازمان را به خود اختصاص داده و مدیریت آن بر اساس مکانیزم مدیریت عناصر زنجیره تأمین نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است. سرمایه در گردش یک شرکت مجموعه مبالغی است که در دارایی های جاری سرمایه گذاری می شود و مدیریت سرمایه در گردش نیز عبارت است از تعیین حجم و ترکیب منابع و مصارف سرمایه در گردش به نحوی که ثروت سهامداران افزایش یابد. در این پژوهش مروری به مبانی نظری سرمایه در گردش پرداخت می شود.

واژه های کلیدی

سرمایه در گردش، بازدهی عملیاتی، دارایی های جاری

سرمایه در گردش

سرمایه در گردش یک شرکت مجموعه مبالغی است که در دارایی های جاری سرمایه گذاری می شود. اگر بدهی های جاری از دارایی های جاری یک شرکت کسر گردد سرمایه در گردش خالص به دست می آید.

^۱ . Schilling